گفت: «اگر مى‌خواهید [کارى مشروع‌] انجام دهید، اینان دختران منند [با آنان ازدواج کنید].» (71) به جان تو سوگند، که آنان در مستى خود سرگردان بودند. (72) پس به هنگام طلوع آفتاب، فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت. (73) و آن [شهر] را زیر و زبر کردیم و بر آنان سنگهایى از سنگ گِل باراندیم. (74) به یقین، در این [کیفر] براى هوشیاران عبرتهاست. (75) و [آثار] آن [شهر هنوز] بر سر راهى [دایر] برجاست. (76) بى‌گمان، در این براى مؤمنان عبرتى است. (77) و راستى اهل «ایکه» ستمگر بودند. (78) پس، از آنان انتقام گرفتیم، و آن دو [شهر، اکنون‌] بر سر راهى آشکاراست. (79) و اهل «حِجر» [نیز] پیامبران [ما] را تکذیب کردند. (80) و آیات خود را به آنان دادیم، و[لى‌] از آنها اعراض کردند. (81) و [براى خود] از کوهها خانه‌هایى مى‌تراشیدند که در امان بمانند. (82) پس صبحدم، فریاد [مرگبار]، آنان را فرو گرفت. (83) و آنچه به دست مى‌آوردند، به کارشان نخورد. (84) و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم، و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید. پس به خوبى صرف نظر کن، (85) زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست. (86) و به راستى، به تو سبع المثانى [=سوره فاتحه‌] و قرآن بزرگ را عطا کردیم. (87) و به آنچه ما دسته‌هایى از آنان [=کافران‌] را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش براى مؤمنان فرو گستر. (88) و بگو: «من همان هشداردهنده آشکارم.» (89) همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم‌کنندگان نازل کردیم: (90)